



ارائه شده توسط:

سایت ترجمه فا

مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده

از نشریات معتبر

تئوری بازیگر شبکه و معضل مفهوم منابع در مدیریت استراتژیک

خلاصه

با وجود همه گیر شدن بحث در مورد منابع و استراتژی در نوشته های مدیریت، ابهام قابل توجهی در اطراف ساختار اصلی منابع سازمانی وجود دارد. به رویکردهای مطلع شده توسط توسعه های نظری در اجتماع شناسی فن آوری، به طور گسترده شناخته شده به عنوان نظریه بازیگر شبکه، می تواند روش های مختلف مفهومی برای شکل گیری منابع به عنوان روابط پایدار بین مردم، اسناد و فن آوری را فراهم نماید. این پژوهش پیوند پویا بین منابع و استراتژی نظریه پردازی را بیان می کند و نتیجه گیری با جهت گیری های آینده برای تحقیقات تجربی صورت می گیرد.

کلید واژه ها: تئوری بازیگر شبکه؛ منابع؛ استراتژی

مقدمه

مفهوم منابع سازمانی، گامی از تئوری معاصر در مدیریت استراتژیک است. در اوایل دهه ۱۹۸۰، نویسندگان استراتژی دوباره پایان نامه Penrose (۱۹۵۹) را در نظریه رشد شرکت و مفهوم مرکزی از منابع کشف نمودند (Foss، ۱۹۹۹؛ Teece، 1982؛ Wernerfelt، ۱۹۸۴). با این حال، در حالی که منابع ساخت بلوک هایی مقرر می شوند که رشد و مزیت رقابتی را توضیح می دهند، توافق کمی در نوشته ها و با آنچه آنها واقعا هستند و یا چگونه آنها باید مورد مطالعه قرار گیرند وجود دارد (Foss، ۱۹۹۷؛ Priem و باتلر، ۲۰۰۱، Coopmans، Steen، Whyte، و 2006؛ Wernerfelt، 1995).

در نظر این ابهام نظری، هدف اولیه این تحقیق نشان می دهد که چگونه یک شاخه ای از جامعه شناسی به نام تئوری بازیگر شبکه می تواند راه های مختلفی برای تفکر در مورد روابط در سازمان ها که منابع را پیکربندی می نمایند تولید نماید. روند مرکزی بازیگر شبکه برای مهندسی اجتماعی فنی تا حدی سازگار با ایده های اصلی Penrose (۱۹۵۹) در مورد رشد شرکت به عنوان یک فرایند یادگیری و پیدا کردن راه های جدید ترکیب شده و

استفاده از منابع برای ایجاد قابلیت های متفاوت است (و یا خدمات در متن اصلی Penrose (Foss, ۱۹۹۹, Steen و Liesch, 2007). با این حال، با وجود این شباهت اولیه با تفکر سنتی در منابع، نظریه شبکه بازیگر چالش های مفهومی قابل توجهی را برای نوشته های استراتژی معمولی ارائه می دهد.

یکی از این منابع که نمی تواند فرض می شود مقوله های ثابت. تغییرات ممکن است در ساختار اتصالات بین مردم، فن آوری و اسناد در نتیجه منابع مختلف رخ دهد. پس از این مفهوم، نظریه شبکه بازیگر فرض روش را تضعیف می کند که منابع را می توان به عنوان متغیرهای گسسته مفهوم سازی نمود، از اینرو همیشه وابستگی با عناصر دیگری از سازمان وجود دارد.

علاوه بر این، توسعه تئوری انتخاب استراتژیک مدیریتی نمی تواند از منابع جدا شود که این مدیران ظاهراً آن را کنترل می کنند. خطاب به وابستگی بین توانایی استراتژیست برای انتخاب و پیاده سازی استراتژی، و منابعی که زیر بنای رشد و مزیت رقابتی هستند، یک گام مهم به جلو برای یک نظریه پویا از منابع و استراتژی خواهد بود.

این مقاله با مروری بر نوشته های منابع در مدیریت استراتژیک شروع می شود. در حالی که بسیاری مطالب در مورد این موضوع نوشته شده است، هنوز هم مشکلات نظری مداوم در اطراف تعریف منابع وجود دارد. برخی از این سردرگمی ها ناشی از خواندن انتخابی بینش های اصلی Penrose (۱۹۵۹) در مورد منابع و رشد شرکت است.

همچنین، به دلیل ترجمه Penrose (۱۹۵۹) در مورد دیدگاه مبتنی بر منابع (مثال Barney, ۱۹۹۱, Wernerfelt, 1984) یک تصویر ثابت از سازمان را ارائه می دهد، نیاز به توضیح این مورد وجود دارد که چگونه منابع در طول زمان تغییر می کنند. کارهای بیشتری باید در این زمینه برای درک بی ثباتی ذاتی منابع در داخل این شرکت بدون توسل به مکانیسم های بیرونی از جمله قابلیت های پویا انجام شود (Feldman, ۲۰۰۴, Steen و همکاران، ۲۰۰۶).

در طول چند سال گذشته، حرکت برخی از محققان در جامعه استراتژی در مورد تفکر برای استراتژی به عنوان یک شکل عمل وجود داشته است (Whittington, 2004). به بیانی دیگر، به جای استراتژی بودن تابع تولید یا مجموعه ای از فرآیندهای مکانیکی، یک فعالیت وجود دارد که توسط مردم انجام می شود (Whittington).

2003). این چشم انداز است که بسیار شبیه به کار اولیه Penrose است و راهی برای درگیری مجدد با برخی از بینش های اصلی در مورد رشد از طریق توسعه و مدیریت منابع را ارائه می دهد. با این حال، در حالی که عمل به نوبه خود در استراتژی ارائه دهنده پیشرفت است، هنوز هم نیاز به توسعه به منظور در بر گرفتن توضیحات از تغییر منابع و ثبات وجود دارد. به عبارت دیگر، چرا برخی از شیوه ها به ایجاد منابع دوام منتج می شود؟ همچنین، چگونه این منابع تبدیل به قابل اعتماد به اندازه کافی، اساسی برای اعمال برنامه های استراتژیک و برنامه ها را تشکیل می دهند؟

برای پرداختن به این پرسش ها، مقاله به نوشته های شناخته شده به عنوان نظریه بازیگر شبکه روی آورده است، که از عمل به نوبه خود در مطالعات علم و فن آوری، با دو جهت جدید برای یک تئوری منابع سازمانی برآمده است. اولین اینها، مفهوم منابع به عنوان شبکه های ناهمگن فن آوری و مردم است (Law, 1992). به طور خاص، بخشی از کار استراتژیست آوردن این شبکه ها با یکدیگر و نگه داشتن آنها در جای خود در داخل شرکت است که می تواند به عنوان منابع شمارش شوند. علاوه بر به سؤال از مفروضات در مورد ثبات، نظریه شبکه بازیگر همچنین با رمز شرکت به عنوان سوال تجربی آزاد برخورد دارد (Tryggestad, 2005). جهت دوم از این نظر گسترش می یابد که خود استراتژیست ها وابسته به منابعی هستند که استراتژی های توسعه داده شده و اجرا شده را فراهم می سازند (Best, ET Garnsey, 1999, Steen و همکاران Liesch, 2007).

در حالی که برخی از مطالعات بازیگر شبکه ای از سازمان در حال حاضر نشان داده شده است که چگونه منابع را می توان به صورت اقدامات تثبیت شده وابسته توصیف نمود، بیشتر می تواند برای اعمال این حوزه از تئوری برای بازگشت به بینش های اصلی در شیوه ها و فعل و انفعالات درون سازمان که منابع و استراتژی را شکل می دهد، انجام شود.

پس منابع واقعا چه چیزی هستند... ؟

منابع، در نوشته های استراتژی، به طور گوناگون در طول زمان تعریف شده اند. Penrose (۱۹۵۹) از این واژه برای توصیف دسته بندی از منابع فیزیکی و انسانی استفاده ، اما مواظب اشاره به این مورد بود که این هرگز خود

منابعی نیست که ورودی ها در فرآیند تولید هستند، اما فقط خدماتی که منابع می توانند تحویل دهند ... دقیقا همان منابعی است که می توان برای مقاصد مختلف و یا به روش های مختلف مورد استفاده قرار داد " (Penrose, 1959, ص ۲۵). به عبارت دیگر، Penrose تمایل به قرار دادن تعاریف دقیق در مورد منابع و رتبه بندی آنها را به رده های قطعی داشت زیرا او درک نمو که منابع در رابطه با منابع دیگر می تواند تغییر کنند.

با این حال، این تفاوت مهم بین منابع و خدمات، و ماهیت سوسمار کوچک مانند منابع در ترجمه های بعدی در Penrose مورد رشد شرکت از دست رفته است. خواندن مقالات ذکر شده در استراتژی نشان می دهد که منابع به عنوان ورودی تغییر ناپذیر در فرآیند تولید تئوری سازی می شوند (به عنوان مثال Barney، ۱۹۹۱؛ کانر، ۱۹۹۱؛ Wernefelt، 1984). با وجود این نظریه از منابع به عنوان بلوک های ساختاری، پیشرفت های شگفت آور کمی در ربع قرن گذشته در تعریف این چیزها صورت گرفته است. Wernerfelt معضل مفهوم منابع مدیریت استراتژیک را در نظر گرفت و پس از آن مجله جایزه origina 11984 را برای مقاله خود در مورد منابع و استراتژی شرکت ها دریافت نمود.

ما یک طبقه بندی غنی از بازارها و دانش تجربی در مورد ساختار بازار داریم. در مقابل، منابع در پشته غیر متبلور (آمورف) بسیاری از ما باقی می ماند. (Wernefelt، سال ۱۹۹۵، ص. ۱۷۲)

مقاله های اخیر در مورد توسعه منابع دیدگاه مبتنی بر Lockett و همکاران. (۲۰۰۸، ص. ۱۱۳۴) نشان می دهد که کمی پیشرفت شده از آن زمان ایجاد شده است.

... نیاز فوری به فکر کردن در مورد فضای منابع وجود دارد و فکر کردن در مورد تلاش برای به دست آوردن درک بهتر از آنچه منابع برای ما معنی می دهند وجود دارد.

بنابراین، تعاریف یک مشکل باقی می ماند، اما یکی دیگر از میراث های ترجمه جزئی از نظریه Penrose (۱۹۵۹) در منابع، مشکل توضیح تغییر در پایه منبع در درون سازمان ها است (Ketchen, Wright, Barney و همکاران، ۲۰۰۱؛ Foss، ۲۰۰۳). اگر منابع مانند آجرها باشند، پس چگونه این آجرها تغییر می کنند؟ تغییر منابع پایه شرکت، از طریق دسترسی به بازارهای عامل منابع مفهوم سازی شده است که در آن شرکت ها ممکن است عوامل را

فراتر از شرکت برای ساخت منابع جدید جمع نمایند (Black& Boal و همکاران، ۱۹۹۴؛ Dier "ickx همکاران دانلود، ۱۹۸۹). امکان منابع از داشتن پویایی داخلی توجه معادلی را جلب نکرده است (Feldman، ۲۰۰۴؛ Kopay، Salancik، Lebleci، همکاران کینگ، ۱۹۹۱). بدون درک پویایی ذاتی منابع، مفاهیم از جمله قابلیت های پویا، که قابلیت هایی هستند که منابع را در درون سازمان تغییر می دهند، باید برای توضیح تغییر به کار گرفته شوند (Martin Eisenhardt و همکاران، ۲۰۰۰؛ Makadok، 2001، Teece، Pisano، Shuen و همکاران، ۱۹۹۷؛ وانگ و همکاران احمد، ۲۰۰۷).

منابع در عمل: گسترش تبدیل عمل به استراتژی

برخلاف این بن بست در نظریه منابع و برداشت غلط از کار Penrose نوشته های در حال رشدی در این زمینه استراتژی وجود دارد که در تلاش برای رسیدگی به مسئله سکوت است اطراف آنچه استراتژیست ها در واقع انجام می دهند (Whittington، 1996، 2003). Penrose به طور مستقیم درک نمود که رشد شرکت و ایجاد منابع کاملاً کاری از لحاظ ادبی در حال پیشرفت بوده است اما این نوشته های با استراتژی به عنوان یک قالب کار حرفه ای درگیر نشدند. در واقع، Whittington (2003) این مسئله را به عنوان چیزی از بحران چارچوب بندی نمود: هنگامی که در راهی کوچک برای کمک به دیگران، استراتژی و سازماندهی، من تقریباً هر چیزی را می گویم در مورد اینکه چگونه آنها باید کار برنامه های واقعی تولید جدید و طراحی ساختارهای جدید را انجام دهند. اگر دنبال نمودن مشاوره در مورد چگونگی انجام این کار به بهترین وجه صورت گیرد، من به مجلات پیشرو استراتژی و سازمان روی می آورم - می توانم کمی مطلب را در آنج بیابم - اما برای همکاران عاقل تر و با تجربه تر خود.

نوشته های استراتژی به عنوان عمل قابل توجهی سهمی چشمگیر را نسبت به درک اقدامات و کار توسط استراتژیست در تدوین و پیاده سازی انجام شده استراتژی در داشته اند (Jarzabkowski، 2005؛ جانسون، Whittington، Melin، 2006؛ Whittington، 8: 2003). به جای استفاده از مدل های رگرسیون و مجموعه داده های بزرگ که تمایل به تسلط بر پژوهش استراتژی دارند، نوشته های استراتژی به عنوان تمرین با نظریه های تمرین پسند و روشهای از جمله ساختاربندی، نظریه های سازمانی، مطالعات موردی و مردم نگاری مشغول هستند

(Whittington, 2006). با این حال، مطالعه عمل در علوم اجتماعی دارای یک سنت طولانی است و بدون شک راههای بسیاری برای استراتژی کاوش توسط نگاه کردن به "عمل در زمینه های دیگر وجود دارد. منابع چالش های ویژه ای را برای تحقیق عملی در برخواهند داشت چرا که اغلب به نظر می رسد آنها سخت، با دوام و مستقل از روند استراتژی باشند. مدیران ممکن است به استفاده از یک منبع، مانند یک تیم فروش، در طرح استراتژیک خود روی بیاورند، اما کمی ملاحظه هم در این مورد وجود دارد که چگونه تیم فروش، منبع می شود. باز کردن ساخت "حقایق" و "اشیاء یک چالش است، اما این عمل به نوبه خود در مطالعات علم و فن آوری به ما یک لنز برای انجام این کار داده است. نظریه شبکه بازیگر، فن آوری و تولید حقایق علمی را برای تجزیه و تحلیل جامعه شناختی آزاد گذاشته است، و می تواند فرصت های یکسان برای تحقیق و تفحص از منابع را ارائه دهد.

مروری بر نظریه شبکه بازیگر

هرچند تئوری شبکه بازیگر در اصل به عنوان روشی برای مطالعه فرآیند تولید آگاهی علمی (Shapin, 1995) و ابعاد جامعه شناختی از فن آوری (Latour & Calion, 1981)، پدیدار شده است، در راه های مختلف برای زمینه های دیگر مانند مطالعات سازمان حسابداری و جامعه شناسی اقتصادی ترجمه شده است (به عنوان مثال های Bloomfield & بهترین، 1992، Callon, 1998؛ Hernes & Czarniawska, 2005؛ White, 2005؛ 8: Bradshaw, 2004؛ Woolgar, Coopmans, Neyland, 2009). درخواستی که نظریه شبکه بازیگر دارد، برای بسیاری از محققان، عدم اذعان هر ماهیت پیشین از بازیگران و یا نیروهای سازمان است. به عنوان قانون (سال 1992، ص 380) نشان می دهد: "... اگر ما می خواهیم درکی از مکانیسم سازمان داشته باشیم، فقط شروع فرضی نمودن که ما آن را می خواهیم توضیح دهیم، مهم نیست.

نظریه شبکه بازیگر برآمده از مطالعات قوم نگارانه آزمایشگاه های علمی در طول (Woolgar & Latour, 1979) است. پس از کتاب اصلی Kuhn در ساختار انقلاب های علمی، جامعه شناسان علاقه مند شد به ساخت حقایق علمی، و فرایند حل اختلافات شدند (Shapin, 1995 بررسی عالی این رشته جامعه شناسی). یک پیشنهاد طرفدارانه از Kuhn پایان نامه ای بود که دانشمندان مشغول کار در پارادایم های مختلفی بودند که در در دنیاهای

مختلف با ان زندگی می کردند و این تلاش برای توضیح جوامع علمی به عنوان موسسات اجتماعی ساخته شده دعوت نمود.

با این حال، پذیرش دانش علمی به عنوان یک ساخت اجتماعی با مشکل توضیح این مورد برخورد می کند که چگونه اختلافات علمی حل و فصل می شوند و همچنین دانش علمی می تواند دوام آورد زمانی که از آزمایشگاه های و دانشمندی که در اصل آن را تهیه می کنند جدا شود (Calion, 1995). توضیحات صرفا اجتماعی برای حمایت از ساختاربندی های بزرگ حقایق کافی نیستند، مگر این که ما شروع به فکر در مورد دانش علمی به عنوان یک شکل از «روانشناسی اراذل و اوباش نماییم (Kuhn, ۱۹۹۶؛ Latour, 1999). پیشنهاد بازیگر شبکه این است که دانش ساخته شده است، اما ساختی که نتیجه یک شبکه ناهمگن از مردم، دستگاه ها و متون است است که یک فرم از ثبات را ایجاد. این بازی دو ایده از تئوری بازیگر شبکه را در انواع ترجمه و نقطه گذاری به ارمغان می آورد (Calion, 1995؛ حقوق، ۱۹۹۲).

نظریه شبکه بازیگر به فرآیندهای مربوط می شود که در مورد چیزهایی است که معمولا به صورت ساختاربندی شده در مورد آنها تفکر نمی شود ([Latour, 2005؛ حقوق، ۱۹۹۲]، از جمله حقایق بی چون و چرا (هاری به عنوان مثال به وسیله یک ویروس ایجاد می شود)، فن آوری های کار (به عنوان مثال هواپیماهای نظامی) و یا افراد قدرتمند (به عنوان مثال لویی پاستور). ترجمه برای توضیح شبکه بازیگر برای ساخت 'نتایج جامد مرکزی است. ترجمه راهی را توصیف می کند که یک چیز ممکن جای چیز دیگری در رابطه با اشیاء دیگر قرار گیرد. بنابراین، برای مثال، چاقو می تواند سلاحی برای حمله و یا چیزی برای خوردن شام با توجه به بافت و روابط با دیگر موارد باشد. زنجیره ترجمه توصیف کننده فرآیندهای پیوستن با هم دستگاه های فنی، بیانیه ها و انسان برای تولید نتیجه یک سری موقت تثبیت شده از فعل و انفعالات است که در آن چیزی می تواند چیز دیگری را نشان دهد (Calion, 1995). یک دستگاه خودپرداز نشان دهنده نقطه پایانی سری طولانی از ترجمه های اجتماعی و فنی گرد هم آورده شده است. توجه داشته باشید به خصوص که این ثبات بدان معنی است که کاربر نیازی به آگاهی از زنجیره فعل و انفعالات ندارد که دستگاه های خودپرداز را قادر به انصراف از پول می نماید.

ماکرو قدرتمند • بازیگرانی چون «دولت Blitsh» (قانون ۱۹۹۲) تحلیلی diffel'ent از هتل کلید سیستم های بازگشت (Latour, 1992) به این معنا که آنها در نتیجه چند، و یا بسیار نرمال، ترجمه stabi lised. این پل'illCiple است در پشت نام CF ilctornetwork نظریه را. بازیگران در این معنا نه تنها conllected throughnterpersonal شبکه همانطور که در تجزیه و تحلیل شبکه های اجتماعی، آنها اثرات احتمالی از طریق فرآیندهای آوردن شبکه های ناهمگن با هم از طریق ترجمه (Calion و حقوق، ۱۹۹۵؛ Hernes Czarniawska و همکاران، ۲۰۰۵). این همچنین بدان معنی که بازیگران همیشه ترکیبی از اجتماعی و فنی است. بنابراین ممکن است به ماشین بودن بازیگران صحبت می کنند به دلیل روابط آنها میانجیگری و تثبیت انجمن بین افراد دیگر، دستگاه ها و متون (Latour, 1992).

مسئله بعدی برقراری ثبات در این شبکه ها است به طوری که برخی از مواد (بازیگران) مشخصه قابلیت دوام را اتخاذ می کنند (سال ۱۹۹۲، ص. ۳۸۷) که توضیح می دهد چرا چنین اموالی مهم است که از طریق ترجمه ظاهر می شود:

افکار ارزان هستند اما آنها طولانی مدت نیستند و گفتار بسیار کمتر طول می کشد. اما زمان شروع برای انجام روابط - به ویژه هنگامی که ما آنها را در مواد غیر ذیروح مانند متون و ساختمان مجسم می کنیم، ممکن است طول بکشند. بنابراین استراتژی مرتبه بندی خوب شکل دادن به یک مجموعه ای از روابط در مواد بادوام است. در نتیجه، یک شبکه نسبتاً پایدار است، یکی در تجسم و با طیف وسیعی از مواد بادوام انجام شده است.

مرتبه بندی به طور مشروط در طول زمان برای ایجاد قابلیت دوام به دست آید، اما همچنین می تواند از طریق فضای استفاده عمل در یک فاصله استفاده شود (Latour, 1987). نکته مهم در اینجا این است که ثبات زمانی یا مکانی به جای یک نظم طبیعی نتیجه شبکه است. بنابراین، برای مثال، در Law و '۵ Calion (1994)) تجزیه و تحلیل پروژه هواپیمای نظامی آنها نشان می دهند که روند مرتبه بندی و شکل گیری از بازیگر قوی تر شبکه، یک هواپیمای موفق را به عنوان یک نتیجه ایجاد می کند. با این حال، فرایند مرتبه بندی نیز قابل برگشت است و بی ثبات سازی شبکه، اثر پروژه شکست خورده را در این مورد به ارمغان می آورد. روند مداوم مرتبه بندی، و مبارزه

برای مقرر نمودن بازیگر شبکه در جای خود، ثبات سازمانی استثنا را ایجاد می کند، به جای سرانجام اجتناب ناپذیر سازمان (Steen و همکاران، ۲۰۰۶).

تصور منابع به عنوان بازیگر شبکه

ردیابی ساخت شبکه های اجتماعی فنی می تواند به یک درک از تئوری بازیگر شبکه را ارائه دهد که فرآیندهایی مانند فن آوری های هواپیما و واکسن ها، و بازیگران کلان از قبیل دولت ها و سازمان ها را ایجاد می کند. اما چگونه می توان این ایده را به مفهوم منابع سازمانی مرتبط نمود؟ Law، در حالی که به منابع استراتژیک مفهوم مدیریت مراجعه نمی کند (۱۹۹۲، ص ۳۸۵) شروع به بحث در مورد شبکه های بازیگر در شرایط بسیار مشابه است.

«، بسته های شبکه، می تواند، از روی احتیاط، در روند ناهمگون داده مهندسی بیشتر یا کمتر اتخاذ شود. به عبارت دیگر می توان آنها را به عنوان منابع شمارش نمود، منابعی که ممکن است در انواع مختلف اشکال وجود داشته باشد: عوامل، دستگاه ها، متون، مجموعه نسبتا استاندارد شده روابط سازمانی، فن آوری های اجتماعی، مرز پروتکل ها، فرم های سازمانی، هر یا همه اینها.

این مفهوم منابع به عنوان شبکه های بازیگر تثبیت شده از نزدیک بر دیدگاه Penrosian (Penrose ۱۹۵۹) از شرکت به عنوان یک بسته نرم افزاری پیچیده ای از منابع ناهمگون سایه می افکند که شامل اثرات متقابل بین مواد و انسانی منابع می شود (Black & Boal و همکاران، ۱۹۹۴؛ Penrose، ۱۹۵۹، Steen و همکاران Liesch ۲۰۰۷). پیغام هایی از نظریه شبکه بازیگر که پیچیدگی و اتصالات جوهره سازمان هستند، می تواند یک کاتالیست برای منابع تئوری سازی به عنوان نتایج رابطه ای فرآیندها باشد (Feldman مطالعه 2005؛ Saxton، Pentland، Steen، Saxton و Venynne، 2010).

در واقع، در یک مصاحبه اخیر با Wernerfelt نشان می دهد که درک وب از فعل و انفعالات که سازمان ها را تشکیل می دهد، یک حوزه بررسی نشده در تئوری شرکتی است که ممکن است یک حرکت محوری برای حل برخی از معضلات در درون ساخت منابع باشد (O'Shea، Lockett، و Wright، ۲۰۰۸). نقاط Wernerfelt برای ملاحظات قدرت در نظریه شرکت، که در آن کارمندان متعلق به یک شرکت هستند به دلیل امکانات دگرگون که

آنها می توانند از طریق دسترسی به منابع (مادی، ملموس و انسانی) در داخل یک شرکت دستیابی داشته باشند (راجان و زینگالس، ۱۹۹۸). این دیدگاه از نزدیک اصل بازیگر شبکه از شبکه های عامل همراستا است که در آن عامل ناشی از طریق بسیج طیف وسیعی از مقوله ها است (Calion قانون و همکاران، ۱۹۹۵). Wernerfelt بیشتر به صریح و روشن بودن در مورد منابع به عنوان یک اثرات شبکه می رود، هر چند تاکید خود صرفا بر شبکه های اجتماعی است.

من شک دارم که بسیاری از این منابع را می دهد که وجود دارد اثرات شبکه ای در داخل شرکت، این به این معنی است که گروهی از مردم وجود دارد که خیلی خوب با هم کار می کنند، اما زمانی که آنها باید دقیقا شکل دهند به همین دلیل اینکه آنها به خوبی با هم کار می کنند، احتمالا یک وب سایت از تمام انواع چیزهای کمی وجود دارد. (Lockett و همکاران: AI، 2008، ص ۱۱۳۴)

اما در اینجا که در آن تفسیر بازیگر شبکه از منبع متفاوت از تجزیه و تحلیل شبکه های معمولی یا سیستم تفکر است. به جای تلاش برای لنگر انداختن توضیح از منابع در زیر منابع کوچکتر (به عنوان مثال Black همکاران بول، ۱۹۹۴)، حساب بازیگر شبکه از سازمان به بررسی مراحل ترجمه می پردازد که در آن منابع دستاوردهای محتمل هستند، به جای اتم های سازمان (چیا، ۱۹۹۵؛ Law، ۱۹۹۲). اگر منابع بازیگر شبکه باشند که در آن ثبات از فعل و انفعالات و ترجمه را نمی توان فرض نمود، بنابراین منابع باید دارای ظرفیت خود برای تغییر از طریق فرایند ترجمه و مرتبه بندی هستند. این استدلال برای افراد منزوی و انتخاب آنها به عنوان میکروساختارهای سازمان نمی باشد. (به عنوان مثال Felin و Foss، ۲۰۰۹). نظریه شبکه بازیگر ما را مجبور به انتخاب بین جمعی و فردی نمی کند، همانطور که Steen و همکاران توضیح داده اند. (۲۰۰۶، ص ۳۰۷).

... دیدگاه اطلاع داده شده توسط نظریه بازیگر شبکه، اقدامات افراد را به طور جدی اتخاذ می کند، با این حال اقدامات خود را در انزوا از روابط و ارتباطات که آنها را هدفمند می سازد، در نظر نمی گیرد.

مشکل مکانیسم های درونی از تغییر در منابع به این ترتیب یک سوال از قادر بودن به فکر در مورد جنبه های اجرایی از فرآیندها است که منابع را تشکیل می دهد (Feld، مرد، ۲۰۰۴). همه منابع سازمانی مانند تدارکات شبکه

ها، فرهنگ و حتی ساختمان ها، باید دارای جنبه های اطلاعاتی باشند که شامل امکان اتصالات جدید و ترجمه باشند. این باید ساخته شود و در محل شمارش به عنوان منابع مقرر شده باشد (Saxton, Calion, 1980 و همکاران، ۲۰۱۰). در نوشته های استراتژی، بحث اعتماد و فرهنگ به عنوان منابع که می تواند مزیت رقابتی را حفظ نماید (Barney, ۱۹۸۶: Barney: Hansen, ۱۹۹۴) اشاره به کاستی های یک حوزه دارد که دارای عامل چشمپوشی شده بزرگ زیادی به عنوان یک نیروی درونی برای تغییر در منابع است.

منابع، انتخاب راهبردی و بازیگر شبکه های

یکی دیگر از حوزه های بررسی نشده از دیدگاه مبتنی بر منابع استراتژی، ارتباط بین منابع و تصمیم گیری های استراتژیک ساخت است. در پایان نامه خود در مورد منابع و رشد شرکت، Penrose (۱۹۵۹) بر ارتباط بین سازمان و تصمیم گیری استراتژیک اذعان کرد که به ارتباط روشن بین منابع و انتخاب استراتژیک اشاره می نمود. مشکل قضاوت کارآفرینی شامل ترکیبی از تخیل، حس خوب، اعتماد به نفس، و دیگر ویژگی های شخصی می شود. این از نزدیک مربوط به سازمان جمع آوری اطلاعات و مشاوره امکانات در درون یک شرکت می شود (Penrose, ۱۹۵۹، ص ۴۱)

به عبارت دیگر، انتخاب استراتژیک مدیریتی بر اساس منابع سازمانی وابسته است که اجازه می دهد که قضاوت ها صورت گیرد. بینش Penrose در مقابل دیدگاه غالب در مورد منابع در نوشته های استراتژی قرار می گیرد که در آن تصمیم گیری مدیریتی بر اساس مدیر فرد انگیزه های اقتصادی و عقلانی (Iivel, 1998، کانر، ۱۹۹۱) مورد بحث قرار گرفته است. حتی اگر فرآیند برنامه ریزی استراتژیکی طبقه بندی می شود می تواند به عنوان منابع مهم (پاول، ۱۹۹۲) و اولیور (۱۹۹۸) تحت حمایت یک تنوع از دیدگاه مبتنی بر منابع اطلاع داده شده بر نظریه نهادی فرض شود، تقریباً هیچ ملاحظه ای از نقشی که منابع در فرآیند انتخاب استراتژیک بازی می کنند، وجود ندارد.

نظریه شبکه بازیگر با هیچ مفروضاتی در مورد طبیعت تصمیم گیرندگان شروع نمی شود. در عوض، آنچه باید توضیح داده شود این است که چگونه بازیگر شبکه ای رای مدیریت استراتژیک با ظرفیت خود برای محاسبه و شکل دادن قضاوت ها می آید؟ مقرر نمودن افراد، اسناد و دستگاه در یک شبکه تثبیت شده، استراتژیستها را قادر می سازد به

اینکه به عنوان چیزی عمل کنند که Latour مراکز محاسبه می نامد " (۱۹۸۷) که در آن اطلاعات است، بسیج شده، ترجمه شده و با هم آورده شود به طوری که قضاوت بتواند صورت گیرد (Muniesa Callan و همکاران، ۲۰۰۵؛ جونز، McClean :۸ Quattrone, 2004).

در چارچوب استراتژی این اطلاعات ممکن است شامل تحولات ساخته شده توسط فن آوری های مدیریتی از قبیل گزارش در مورد سهم بازار، EBITDA و گردش موجودی (Hansen :۸ Mouritsen, 1999) باشد. با این حال، محاسبه تنها یک بخش از انتخاب های استراتژیک (و Czarniawska, سال ۲۰۰۴ پیشنهاد کرده است که می تواند در بسیاری از مراکز از محاسبه پراکنده در درون سازمان وجود داشته باشد). توانایی برای مهندسی شبکه های پیچیده ای از افراد، مدارک و فن آوری از راه دور و اجرای استراتژی در سازمان جزء ضروری دیگر راهبردسازی است. (Calion) همکاران است قانون، ۱۹۹۵. Hansen :۸ Mouritsen, 1999). به عنوان مثال، استراتژی ها بر روی کاغذ به عملکرد سیستم های مدیریت و سایر فن آوری های مدیریتی تبدیل می شوند که تلاش برای ثبت نام بازیگران بسیاری در سراسر سازمان به عنوان بازیگر شبکه است (Hansen Mouritsen و همکاران، ۱۹۹۹). زمانی که Law (۱۹۹۲) به ما یاد آوری می کند، برقراری ثبات در این شبکه و قابل اعتماد ساختن آن شامل ایجاد شبکه های با دقت بسیاری، و یا منابع است که استراتژیست ها را قادر به عمل از راه دور بدون نیاز به همه جا در این سازمان در همان زمان می سازد. این مفهوم نه تنها برای منابع در ایجاد استراتژیست است، بلکه استراتژیست ها نیز ایجاد منابع می کند (Deschow Mouritsen و همکاران، ۲۰۰۱). Law (۱۹۹۴) از او مطالعه استراتژی و سازماندهی خود در آزمایشگاه بیوتکنولوژی بریتانیا بزرگ، و 'Andrew، نمونه این ایده ها به شرح زیر است:

... Andrew، استراتژیست یک شبکه ناهمگن است: Andrew + فکس + مدیران همکار + وزیر + دفتر مرکزی + قطار به لندن + کامپیوتر خود + کار دانشمندان و مهندسان + برگه هم در پر کارکنان آن است ~ ترکیبی خود، که ایجاد امکان اقدام استراتژیک را می نماید " .. اشاره به Andrew ممکن است و می گویند که "این در آن عمل واقع شده است"، و اشاره به همه مواد سایر و اصرار دارد که آنها بخشی از یک سیستم پشتیبانی منفعل هستند. امکان تشخیص با این روش وجود دارد. اما همراه کننده است. این کار را همراه کننده است به دلیل ظرفیت برای استراتژی

اثر آرایش بیشتر و یا کمتر پایدار از مواد. توجه کنید که چیزی که رشد می کند، زمانی که به عنوان خارج تنها از یک است. (Callan و حقوق، ۱۹۹۷، ص ۱۷۷)

نظریه شبکه بازیگر و مهندسی

فرهنگ به عنوان یک منبع یک مطالعه توسط Wflite و Bradshaw (۲۰۰۴) به صراحت با ظهور استراتژیست ها و منابع در درون تدارکات کنسرسیوم ارتباط دارد. هدف اصلی از این مطالعه کمک به درک بهتر از جامعه شناسی سازگار با محیط فعالان اقتصادی است اما خواندن دقیق تر نشان می دهد که این نیز مطالعه استراتژی بازیگر شبکه از دیدگاه عمل است که مهندسی منابع را برای ایجاد مراکز محاسبه نشان می دهد. پس از Calion (۱۹۹۸، ۱۹۹۹) مقالات در بازار white و Bradshaw (۲۰۰۴) به بررسی ظهور عامل های مدیریتی محاسبات پشتیبانی تفکر استراتژیک می پردازد.

در مثل (Calion 1999)، White و Bradshaw (۲۰۰۴) بین پیشینی مفروضات انسان اقتصادی و یا نهادهای اجتماعی و مطالعه تجربی از این پدیده های فوری تمایز قائل شدند، که رویکرد شبکه بازیگر را مشخص می کند. علاوه بر این، آنها معتقدند که حضور یا عدم وجود بازیگران استراتژیک به عنوان عوامل اقتصادی منطقی یا برای آن موضوع، به عنوان عوامل اجتماعی انگیزه، تجربی به جای یک مسأله ی نظری یک مشکل است. در مطالعه آنها از تشکیل یک اتحاد استراتژیک بین واحد اقتصادی و تدارکات کنسرسیوم (به نام RockCorp و TransConsort نام مستعار)، White و Bradshaw (۲۰۰۴) به بررسی «مهندسی بازیگر شبکه پرداختند که اجازه می دهد که به طور رسمی ترجمه استراتژی مفصلی RockCorp در عمل صورت گیرد با وجود این نویسندگان از زبان این نوشته های استراتژی استفاده نمی کنند، این مورد مذاکره و ثبات را توصیف می کند که این مقوله های چارچوب یافته را به عنوان یک منبع قادر می سازد. نمونه آنها از ظهور فرهنگ به عنوان یک منبع دارای علاقه خاص است.

RockCorp در ابتدا رابطه با خود با پیمانکاران تدارکات را با در نظر گرفتن این دیدگاه تعریف نمود که RockCorp خود یک مشتری از کنسرسیوم تدارکات بود. این گرفتاری تا حد زیادی را توسط ترتیب قراردادی انجام شد، یا "عمل توزیع" که بازیگران قفل شده در شبکه تثبیت شده است و رابطه بین RockCorp و

TransConsort متمایل به اندازه گیری و کنترل را ارائه می دهد. این عمل به خودی خود نتیجه مذاکرات پیچیده بود و شامل اهداف و معیار سنجش به جز ایجاد یک محیط بهبود مستمر، بین احزاب در اتحاد است.

اهداف کمی قابل اندازه گیری RockCorp را اجازه ساخت تا به عنوان یک مرکز محاسبات استراتژیک از طریق مدیریتی فن آوری های نظارت و گزارش عمل نماید، با این حال، هدف از محیط بهبود مستمر، به آسانی قابل اندازه گیری نبود و در نتیجه بودن برای ترجمه از طریق اندازه گیری و محاسبه ساده هدایتی نبود. این فرهنگ به عنوان شیوه مدیریت فریم های پیچیده فعل و انفعالات ظهور یافت که به اندازه گیری و محاسبه مقاوم بودند، همانطور که توسط (White and f:il'a(jshaw (2004, p, 13) توسط یک بازبینی با مدیر RockCorp اشاره شد.

پیتر جونز [مدیر کل TransConsort] در حال حاضر بخشی از گروه فروش RockCorp است. امروز ما دارای ارشد جلسات مدیر در شرکت های بزرگ هستیم و پیتر جونز بخشی از این جلسات است، بنابراین او می داند که ما در حال فکر کردن درباره چه چیزی هستیم، او با ما را به آسیاب می رود، ما جلسه ای در آسیاب این بعد از ظهر داشتیم، ما یک جلسه در NewMill داشتیم، بنابراین او در واقع بخشی از آن گروه ارشد است بنابراین او اساساً می داند چه چیزی در درون RockCorp در حال انجام است. چیزهایی مانند بهبود مداوم برای این معامله ساخته شده است، اما ما در حال تلاش برای تبدیل آن به بخشی از فرهنگ RockCorp هستیم و هر کسی که با ما ارتباط دارد. اولین حرکت در محاسبه و مرکزگرایی غیرقابل اندازه گیری مدلسازی مجدد تمرکز مشتری به عنوان "فرهنگ" بود، اما نه داشتن یک فرهنگ مشترک در ابتدای اتحاد بین RockCorp و TransConsort، ساختار 'فرهنگ' را از طریق بازیگران تلاش کننده در ساخت شبکه از طریق مذاکره، تعامل و محل اقامت ظهور یافت. با این حال، این قبل درونی سیستمیک پیچیده و به هم پیوسته از شبکه به خودی خود، منبع "فرهنگ" را تولید نمی کند. در واقع، این فرهنگ به عنوان شیوه مدیریت از فعل و انفعالات پیچیده جعبه سیاه بین بازیگران است که هر دو مقاوم به اندازه گیری و دشوار در مرتبه بندی و در جای خود نگه داشتن هستند. نمونه مصاحبه با مدیر ارشد RockCorp احتمالاً استنباط در مورد اهمیت فرهنگ را به عنوان یک واحد منابع مورد بحث قرار نمی دهد، بلکه این «جعبه سیاه» که نظریه بازیگر شبکه را برای باز کردن مجاز می سازد.

در اینجا، "منابع" فرهنگ نتیجه راهبردسازی و عمل است به جای ورودی هستی شناختی ثابت برای فرایند استراتژی است که نقطه شروع معمول برای بیشتر تحقیقات استراتژی است (Barney به عنوان مثال، ۱۹۸۶؛ Garney، ۱۹۹۱). در واقع، White و Bradshaw (۲۰۰۴) به صراحت کاراکتر مخاطره آمیز از این "فرهنگ" با نامگذاری آن به عنوان وسیله پایدار انطباق بی ثباتی شناختند. با استفاده از بررسی Law (۱۹۹۲) در مورد منابع، ما حتی می توانیم این "فرهنگ" را یک بازیگر شبکه بنامیم که مجادلات دیگر و تنش ها در درون اتحاد را پنهان می کند.

چالش های روش شناختی از منابع به عنوان شبکه های بازیگر

دیدگاه بازیگر شبکه از منابع نه تنها تئوری مرسوم را به چالش می کشد، بلکه همچنین حامل پیامدهای همزمان برای روش است. اگر شبکه ها دارای فرآیندهای رابطه به جای متغیرهای گسسته باشند، بنابراین آینده پژوهش در این زمینه متفاوت است از گذشته است که تحت سلطه مدل و متغیرهای پروکسی بوده است (ET Katsuhiko آرمسترانگ، ۲۰۰۷). استفاده از معیارهای استاندارد برای نظریه خوب در دیدگاه مبتنی بر منابع به این معنی است که منابع به عنوان متغیرها نیاز به فضایی بودن و به طور موقت ناپیوسته بودن به طور معنی دار و با دقت اندازه گیری هستند (Bacharach ۱۹۸۹). پرداخت منابع به عنوان پدیده رابطه ای پویا به این معناست که روش تحقیق فرایند شکل غالب در تحقیقات تجربی خواهد بود (لانگلی، ۱۹۹۹). با این حال، چالش های روش تحقیق پردازشی قابل توجه است، همانطور که توسط Czarniawska (2007) بیان شده است: «ما دارای عوامل بسیاری هستیم که شامل نقش مرکزی اسم در زبان های هند و اروپایی است و موفق به جسمیت دادن به "سازمان" ها شده است- مسلما روندی است که برای آن محققان در سازمان به طور انرژي داری تا کنون از سال دهه ۱۹۶۰ کمک نموده اند.

در حالی که هستی شناختی متفاوت از تئوری بازیگر شبکه است، روش های طولی جدید برای تجزیه و تحلیل شبکه های اجتماعی از جمله بازیگر و متغیرهای شبکه ساختار می تواند جهتی برای بررسی منابع باشد (به عنوان مثال Snijders، 2001). اگر چه این روش های پویا در تجزیه و تحلیل اجتماعی شبکه دارای حق درخواست تجدید نظر

هستند، آنها فاقد ظرفیت برای مقابله تعاملات با اجتماعی فنی و مشخصه مشروط از بازیگران هستند، در حالی که از لحاظ هستی شناختی جنبه "لغزنده" از بازیگران برای دربرگرفتن تجزیه و تحلیل معمولی شبکه سخت است، یک امکان در اینجا توسعه روش های شبکه ای است که می توانند شامل ارتباطات ناهمگن مردم و فن آوری باشند. بعضی از پیشرفت ها در این زمینه ساخته شده، که در آن طیف وسیعی از اطلاعات در جوامع پزشکی را می توان به یک نقشه تبدیل نمود که ترکیبی از شبکه های اجتماعی با مواد و محتوا تعامل است (به عنوان مثال، BOUiTet، Mogoutov، جولیان Reyneur، و Cambrosio 2006، Cambrosio II و Mogoutov، کیتینگ، Mogoutov و همکاران، ۲۰۰۴). بنابراین، برای مثال، مطالعات از داده های انتشار از حوزه علوم پزشکی می تواند نمایش دهنده یک لینک از دو دانشمندان باشد که با هم روی یک مقاله کار می کردند. اگر مواد یا تجهیزات میان آزمایشگاه ها به اشتراک گذاشته شده بود. نرم افزار تجزیه و تحلیل محتوا اجازه می دهد تا مقادیر زیادی از اطلاعات متنی برای شباهت ها تجزیه و تحلیل شوند و به عنوان اتصالات نگاشته شوند.

در چارچوب سازمانی Sheehan و Salter، Criscuolo (۲۰۰۷) به ترسیم روابط بین توصیف تخصص در داخل صفحات یک شرکت داخلی به رنگ زرد پرداختند، اما این مواد را گسترش دادند- شبکه مواد شامل و شبکه های انسان-انسان و انسان-مادی. تجزیه و تحلیل شبکه های ناهمگن فراتر از عرصه مطالعات علم و فن آوری استفاده نمی شود، اما ممکن است راهی را برای نقشه پیچیدگی و ناهمگونی منابع در شرکت را ارائه نماید. با این حال، تجارت برای قادر بودن به تجسم رابطه، زیان حس از روند و ثبات محتمل است که می تواند با ارزش ترین بینش از بازیگر شبکه حساب سازمان باشد.

این امکان وجود دارد که کاراکتر فلسفی، به شدت بازتابی و ویرانگر مطالعات بازیگر شبکه محدود کننده فرجام این نوشته ها برای بسیاری از محققان استراتژی باشد. در حالی که مطالعات بازیگر "حقیقی" شبکه انجام شده در نوشته های مدیریت وجود دارد (Woolgar همکاران AI، 2009)، بیشتر احتمال دارد که اقتباس و ترجمه از ایده ها به صورت نفوذ برای این رشته جامعه شناسی در استراتژی باشد، همانطور که Feldman و Pentland توضیح می

دهد:

همانند تازه واردان برای ANT، ما برخی از مشکلات را تبدیل شدن راحت با واژگان را تجربه کرده ایم. ما ممکن است (ترجمه شده؟) تفسیر خصوصی خود از ANT را با توجه به اهداف خود ایجاد نماییم، .. ما امیدواریم که آن کمک به جلوگیری از عبارات شکنجه مانند "روایت ظاهر" و بی پایان ارتباط مترادف اصطلاحاتمانند "ترجمه" و "actant"، (Feldman فوت، DE؛ ntland، ۲۰۰۵، ص. ۹۲) نماید

این تلاش برای تفسیر دوباره نظریه شبکه بازیگر و درخواست آن را در زمینه های جدید نباید به عنوان کاهش مشارکتهای آن دیده شود. به عنوان مثال، Garud در تاریخ، Karnoe د (۲۰۰۳) بر مفهوم نمایندگی توزیع در بازیگر شبکه برای توضیح توسعه فن آوری در windpower دانمارکی صنعت تمرکز نمود. در توضیح توسعه فن آوری مسیره‌ها، نویسندگان نشان می دهد که ابتکارات بازیگران در چند بازیگر منتج به تجمع آثار باستانی، شیوه ها، قواعد و دانش می شود. چنین شبکه های اجتماعی فنی نه تنها نتیجه اقدامات قبلی هستند، بلکه آنها همچنین پایه ای برای توسعه آینده فن آوری هستند. به طور مشابه، Steen و همکاران. (۲۰۰۶) از نمونه های دوگانگی بازیگر شبکه برای استدلال در برابر تقلیل و اصل مفروضات در مورد عوامل و میکروساختارها در نظریه استراتژی استفاده نمودند. در مطالعه تغییرات تکنولوژیکی در صنعت هواپیماهای نظامی، (Constant 2002 II)، از پایداری مشروط ، بازیگر شبکه ها برای نشان دادن این مورد استفاده می کند که نوعی از ثبات پیش شرط های فنی تکامل است.

در هر صورت، حتی در محافل هسته ای خود نویسندگان، نظریه بازیگر شبکه به عنوان نظریه "فی نفسه دیده نمی شود، بلکه یک چالش جاری برای دسته بندی و استنباط پذیرفته شده در مورد «ماهیت تکنولوژی و جامعه است (Calion، ۱۹۹۹؛ Latour، Woolgar (2005) ilas، 1999). پیشنهاد می دهد که اهمیت واقعی نظریه شبکه بازیگر، ظرفیت آن برای تحریک است گنج باعث ایجاد امکانات جدید برای مفهوم سازی دوباره رشته می شود (Woolgar، 1991). در نهایت، این چیزی است که ممکن است برای پرس و جو در مورد منابع معضل مفید باشد.

نتیجه گیری

دستور کار بازیگر شبکه برای منابع و استراتژی بخشی از تمایل رو به رشد دانشمندان برای درک پویایی اقتصاد و سازمان خواهد بود. شاید بزرگترین مانع بر سر راه توسعه نظریه منابع، عدم تعریف وضوح از مفاهیم اصلی مفروضات

ذاتی در مورد ثبات ذاتی منابع است. Foss (۲۰۰۳، ص ۱۳۹)، در تئوری نقد اقتصادی، دیدگاه مبتنی بر منابع مدل تعادل رقابت را برجسب گذاری می نماید و Barney (۲۰۰۱) همچنین بر تعادل نئوکلاسیک آن مفروضات اذعان نمود که در آن، منابع می توانند تغییر یابند. تئوری بازیگر-شبکه در حالت سکون به یک دستاورد موقت در نظر گرفته می شود و نه حالت اجتناب ناپذیر از نظم. اگر منابع با دوام باشند بنابراین آنچه نیاز به توضیح دادن دارد ثبات ترجمه است که منجر به این منابع می شود.

نادرست خواهد بود که ادعا شود که تئوری شبکه بازیگر می تواند 'حل' مشکلات منابع در استراتژی ساخت را صورت دهد. در واقع، تلاش ها برای استفاده از ایده ها را برای شبکه بازیگر برای ایجاد دسته بندی ها و تعاریف به شدت کنایه دار خواهد بود با توجه به آن هدف از نشان دادن آثار باستانی از جمله مواردی که در داخل سازمان ها و دانشگاهیان که آنها را مطالعه می کنند تولید می شوند (هاردی، فیلیپس، ET کنگ، ۲۰۰۱). به جای ایجاد یک تئوری استراتژی، ما می توانیم بازیگر شبکه را استفاده کنیم که نشان می دهد که چگونه منابع، استراتژی و استراتژیست نتایج سازماندهی می شوند. فکر کردن در استراتژی پس از آن توسط افعالی مشخص می شود که به توصیف فرآیندها می پردازد، به جای اسامی برای دسته بندی ها و تعاریف. بنابراین منابع در انتزاعی بودن که باید عملیاتی شود و به جای تبدیل به چیزی که می تواند در عمل در به همان شیوه مشاهده شده که Penroze ارائه داد متوقف می شوند.

تشکر

نویسنده بر حمایت از شورای پژوهشی استرالیا برای این پژوهش اذعان می نماید.

References

- Armstrong, C., & Katsuhiko, S. (2007). A review of approaches to empirical research on the resource-based view. *Journal of Management*, 33, 959–986.
- Bacharach, S. (1989). Organizational theories: Some criteria for evaluation. *Academy of Management Review*, 14, 496–515.
- Barney, J. (1986). Organizational culture: Can it be a source of sustained competitive advantage? *Academy of Management Review*, 11(3), 656–756.
- Barney, J. (1991). Firm resources and sustained competitive advantage. *Journal of Management*, 17(1), 99–120.
- Barney, J. (2001). Resource-based theories of competitive advantage: A ten-year retrospective on the resource-based view. *Journal of Management*, 27, 643–650.
- Barney, J., & Hansen, M. (1994). Trustworthiness as a source of competitive advantage. *Strategic Management Journal*, 15, 175–190.
- Barney, J., Wright, M., & Ketchen, D. (2001). The resource-based view of the firm: Ten years after 1991. *Journal of Management*, 27, 625–641.
- Best, M., & Garnsey, E. (1999). Edith Penrose, 1914–1996. *The Economic Journal*, 109, F187–F201.
- Black, J., & Boal, K. (1994). Strategic resources: Traits configurations and paths to sustainable competitive advantage. *Strategic Management Journal*, 15, 131–148.
- Bloomfield, B., & Best, A. (1992). Management consultants: Systems development, power and the translation of problems. *Sociological Review*, 40, 533–560.
- Bourret, P., Mogoutov, A., Julian-Reyneir, C., & Cambrosio, A. (2006). A new clinical collective for French cancer genetics: A heterogeneous mapping analysis. *Science Technology and Human Values*, 31, 431–464.
- Callon, M. (1980). Struggles and negotiations to define what is problematic and what is not: The socio-logic of translation. In K. Knorr, R. Krohn, & R. Whitely (Eds.), *The social process of scientific investigation* (pp. 367–401). Dordrecht: Kluwer.
- Callon, M. (1995). Four models for the dynamics of science. In S. Jasanoff (Ed.), *Handbook of science technology and society* (pp. 29–63). Thousand Oaks: Sage.
- Callon, M. (1998). Introduction: The embeddedness of economic markets in economics. In M. Callon (Ed.), *The laws of the markets* (pp. 1–57). Oxford: Blackwell.
- Callon, M. (1999). Actor-network theory—The market test. In J. Law & J. Hassard (Eds.), *Actor-network theory and after* (pp. 181–195). Oxford: Blackwell.
- Callon, M., & Latour, B. (1981). Unscrewing the big Leviathan: How actors macrostructure reality and how sociologists help them to do so. In K. Knorr-Cetina & A. Cicourel (Eds.), *Advances in social theory and methodology: Toward an integration of micro and macro sociologies* (pp. 277–303). Boston: Routledge and Kegan-Paul.
- Callon, M., & Law, J. (1995). Agency and the hybrid collectif. *South Atlantic Quarterly*, 94, 481–507.
- Callon, M., & Law, J. (1997). After the individual in society: Lessons on collectivity from science, technology and society. *Canadian Journal of Sociology*, 22, 165–182.
- Callon, M., & Muniesa, F. (2005). Economic markets as calculative collective devices. *Organization Studies*, 26, 1229–1250.
- Cambrosio, A., Keating, P., & Mogoutov, A. (2004). Mapping collaborative work and innovation in biomedicine. *Social Studies of Science*, 34, 325–364.
- Chia, R. (1995). From modern to post-modern organizational analysis. *Organization Studies*, 16(4), 580–603.
- Conner, K. (1991). A historical comparison of resource-based theory and five schools of thought within industrial organization economics: Do we have a new theory of the firm? *Journal of Management*, 17, 121–154.
- Constant, E., II (2002). Why evolution is a theory about stability: Constraint, causation and ecology in technological change. *Research Policy*, 31, 1241–1256.
- Criscuolo, P., Salter, A., & Sheehan, T. (2007). Making knowledge visible: Using expert yellow pages to map capabilities in professional services firms. *Research Policy*, 36(10), 1603–1619.
- Czarniawska, B. (2004). On time, space and action nets. *Organization*, 11, 773–791.
- Czarniawska, B. (2007). Reclaiming process. *Scandinavian Journal of Management*, 23, 353–355.
- Czarniawska, B., & Hernes, T. (2005). *Actor-network theory and organizing*. Herndon: Copenhagen Business School Press.
- Dierickx, I., & Cool, K. (1989). Asset stock accumulation and the sustainability of competitive advantage. *Management Science*, 35, 1504–1513.
- Eisenhardt, K., & Martin, J. (2000). Dynamic capabilities: What are they? *Strategic Management Journal*, 21, 1105–1121.
- Feldman, M. (2004). Resources in emerging structures and processes of change. *Organization Science*, 15, 295–309.
- Feldman, M., & Pentland, B. (2005). Organizational routines and the macro-actor. In B. Czarniawska & T. Hernes (Eds.), *Actor-network theory and organizing* (pp. 91–111). Malmö: Liber.
- Felin, T., & Foss, N. (2009). Organizational routines and capabilities: Historical drift and a course-correction towards microfoundations. *Scandinavian Journal of Management*, 25, 157–167.

- Foss, N. (1997). Resources and strategy: Problems, open issues and the way ahead. In N. J. Foss (Ed.), *Resources firms and strategies: A reader in the resource-based perspective* (pp. 345–365). Oxford: Oxford University Press.
- Foss, N. (1999). Edith Penrose, economics and strategic management. *Contributions to Political Economy*, 18, 87–104.
- Foss, N. (2003). The strategic management and transaction cost nexus: Past debates, central questions, and future research possibilities. *Strategic Organization*, 1, 139–169.
- Garud, R., & Karnoe, P. (2003). Bricolage versus breakthrough: Distributed and embedded agency in technology entrepreneurship. *Research Policy*, 32, 277–300.
- Hansen, A., & Mouritsen, J. (1999). Managerial networks and netted networks 'Competitiveness' in action: The work of translating performance in a high-tech firm. *Organization*, 6, 451–471.
- Hardy, C., Phillips, N., & Clegg, S. (2001). Reflexivity in organization and management theory: A study of the production of the research 'subject'. *Human Relations*, 54, 531–560.
- Jarzabkowski, P. (2005). *Strategy as practice*. London: Sage.
- Johnson, G., Melin, L., & Whittington, R. (2003). Micro strategy and strategizing: Towards an activity-based view. *Journal of Management Studies*, 40(1), 3–22.
- Jones, G., McClean, C., & Quattrone, P. (2004). Spacing and timing. *Organization*, 11(6), 723–741.
- Kuhn, T. (1996). *The structure of scientific revolutions* (3rd ed.). Chicago: University of Chicago Press.
- Langley, A. (1999). Strategies for theorizing from process data. *Academy of Management Review*, 24, 691–710.
- Latour, B. (1987). *Science in action*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Latour, B. (1992). Where are the missing masses? Sociology of a few mundane artefacts. In W. Bijker & J. Law (Eds.), *Shaping technology, building society: Studies in sociotechnical change* (pp. 225–258). Cambridge, MA: MIT Press.
- Latour, B. (1999). *Pandora's hope*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Latour, B. (2005). *Reassembling the social: An introduction to actor-network theory*. Oxford: Oxford University Press.
- Latour, B., & Woolgar, S. (1979). *Laboratory life: The construction of scientific facts*. Princeton: Princeton University Press.
- Law, J. (1992). Notes on the theory of the actor-network: Ordering, strategy and heterogeneity. *Systems Practice*, 5, 379–393.
- Law, J. (1994). *Organizing modernity*. London: Blackwell.
- Law, J., & Callon, M. (1994). The life and death of an aircraft: A network analysis of technical change. In W. E. Bijker & J. Law (Eds.), *Shaping technology/building society* (pp. 21–52). Cambridge, MA: MIT Press.
- Lebleci, H., Salancik, G., Copay, A., & King, T. (1991). Institutional change and the transformation of interorganizational fields: An organizational history of the U.S. broadcasting industry. *Administrative Science Quarterly*, 36, 333–363.
- Lockett, A., O'Shea, R., & Wright, M. (2008). The development of the resource-based view: Reflections from Birger Wernerfelt. *Organization Studies*, 29, 1125–1141.
- Makadok, R. (2001). Toward a synthesis of the resource-based and dynamic-capability views of rent creation. *Strategic Management Journal*, 22, 387–401.
- Mouritsen, J., & Deschow, N. (2001). Technologies of managing and the mobilisation of paths. In R. Garud & P. Karnoe (Eds.), *Path dependence and creation* (pp. 355–379). Mahwah: Lawrence Erlbaum Associates.
- Oliver, C. (1998). Sustainable competitive advantage: Combining institutional and resource-based views. *Strategic Management Journal*, 18, 697–713.
- Penrose, E. (1959). *The theory of the growth of the firm*. Oxford: Basil Blackwell.
- Powell, T. (1992). 'Strategic planning as competitive advantage'. *Strategic Management Journal*, 13, 551–558.
- Priem, R., & Butler, J. (2001). Is the resource-based "view" a useful perspective for strategic management research? *Academy of Management Review*, 26, 22–40.
- Rajan, R., & Zingales, L. (1998). Power in a theory of the firm. *Quarterly Journal of Economics*, 113, 387–432.
- Saxton, T., Saxton, K., Steen, J., & Verreyne, M. L. (2010). Failure to advance: Resource logic for early venture failure. *Prometheus: Critical Studies in Innovation*, 28(1), 15–27.
- Shapin, S. (1995). Here and everywhere: Sociology of scientific knowledge. *Annual Review of Sociology*, 21, 232–289.
- Snijders, T. (2001). The statistical evaluation of social network dynamics. In M. Sobel & M. Becker (Eds.), *Sociological methodology* (pp. 361–395). London: Blackwell.
- Steen, J., Coopmans, C., & Whyte, J. (2006). Structure and agency? Actor-network theory and strategic organization. *Strategic Organization*, 4(3), 303–312.
- Steen, J., & Liesch, P. (2007). A note on Penrosean growth, resource bundles and the Uppsala model of internationalization. *Management International Review*, 47(2), 193–206.
- Teece, D. (1982). Toward an economic theory of the multiproduct firm. *Journal of Economic Behaviour and Organization*, 3, 39–63.
- Teece, D., Pisano, G., & Shuen, A. (1997). Dynamic capabilities and strategic management. *Strategic Management Journal*, 18, 509–533.
- Tryggestad, K. (2005). Technological strategy as macro-actor: How humanness might be made of steel. In B. Czarniawska & T. Hernes (Eds.), *Actor-network theory and organizing* (pp. 31–49). Malmö: Liber.
- Wang, C., & Ahmed, P. (2007). Dynamic capabilities: A review and research agenda. *International Journal of Management Reviews*, 9, 33–51.
- Wernerfelt, B. (1984). A resource-based view of the firm. *Strategic Management Journal*, 5, 171–180.
- Wernerfelt, B. (1995). The resource-based view of the firm: Ten years after. *Strategic Management Journal*, 16, 171–174.
- White, R., & Bradshaw, M. (2004). Business in action: Framing and overflowing in the logistics of an Australian company. *Journal of Sociology*, 40, 5–20.
- Whittington, R. (1996). Strategy as practice. *Long Range Planning*, 29(6), 731–735.
- Whittington, R. (2003). The work of strategizing and organizing: For a practice perspective. *Strategic Organization*, 1(1), 117–125.
- Whittington, R. (2004). Strategy after modernism: Recovering practice. *European Management Review*, 1(1), 62–68.
- Whittington, R. (2006). Completing the practice turn in strategy research. *Organization Studies*, 27(5), 613–634.
- Woolgar, S. (1991). The turn to technology in social studies of science. *Science Technology and Human Values*, 16, 20–50.
- Woolgar, S. (2005). What happened to provocation in science and technology studies? *History and Technology*, 20, 339–349.
- Woolgar, S., Coopmans, C., & Neyland, D. (2009). Does STS mean business? *Organization*, 16, 5–30.



این مقاله، از سری مقالات ترجمه شده رایگان سایت ترجمه فا میباشد که با فرمت PDF در اختیار شما عزیزان قرار گرفته است. در صورت تمایل میتوانید با کلیک بر روی دکمه های زیر از سایر مقالات نیز استفاده نمایید:

لیست مقالات ترجمه شده ✓

لیست مقالات ترجمه شده رایگان ✓

لیست جدیدترین مقالات انگلیسی ISI ✓

سایت ترجمه فا ؛ مرجع جدیدترین مقالات ترجمه شده از نشریات معتبر خارجی